

رابطه جدایی مالکیت از کنترل با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری شرکتها

مینا جاهدمغانلو^۱ و فرزین رضایی^۲

۱ کارشناس ارشد گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی ناکستان، تاکستان، قزوین، ایران، mina.jahed@gmail.com
 ۲ دانشیار گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)، farzin.rezaei@qiau.ac.ir

چکیده

در مجموع سال‌های اخیر ساختار مالکیت و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکتها، به دلیل رواج آن در اکثر کشورها و به خصوص در میان اقتصادهای در حال رشد و بازارهای نوپای اروپا و آسیا، به‌عنوان یکی از مسائل مهم در ادبیات حاکمیت شرکتی مطرح شده است لذا در این پژوهش سعی شده است تأثیر جدایی مالکیت از کنترل بر محافظه کاری غیرشرطی حسابداری شرکتها در ایران مورد بررسی قرار گیرد. پس از طراحی شاخص‌های ارزیابی جدایی مالکیت از کنترل، اطلاعات معاملات انجام شده در دوره پژوهشی پنج‌ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ از سازمان بورس اوراق بهادار جمع‌آوری گردید. نمونه آماری مشتمل بر ۱۱۰ شرکت می‌باشد که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است؛ که در مجموع ۵ سال ۵۵۰ شرکت بودند آنچه در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌توان عنوان کرد، این است که بین فاصله مالکیت نهادی و نهادی فعال، با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری و همچنین بین فاصله مالکیت عمده و نهادی فعال، با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. با بررسی سایر فرضیه‌های پژوهش مشخص شد که بین فاصله مالکیت اقلیت و نهادی، با محافظه کاری حسابداری غیرشرطی و همچنین بین فاصله مالکیت اقلیت و نهادی عمده، با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری نیز رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، در صورتی که این رابطه منفی و معنی‌دار، بین فاصله مالکیت اقلیت و نهادی فعال با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری وجود نداشته است.

واژه‌های کلیدی: مالکیت نهادی فعال، محافظه کاری حسابداری، محافظه کاری شرطی، مالکیت نهادی، مالکیت عمده

۱. مقدمه

محافظه‌کاری نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول محدودکننده حسابداری است که مورد استفاده حسابداران قرار دارد. اصل محافظه‌کاری موجب می‌شود تا از میان روش‌های مختلف، روشی اعمال گردد که حداقل اثر فزاینده را بر سود خالص و جمع دارایی‌های شرکت داشته باشد. به عبارت دیگر بر اساس این اصل، شرکت نباید از روش‌هایی استفاده کند که درآمدها و دارایی‌های خود را بیش از واقع و هزینه‌ها و بدهی‌های خود را کمتر از واقع نشان دهد. نتایج بسیاری از پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که کاربرد اصل محافظه‌کاری در حسابداری دارای مزایای متعددی است و سبب افزایش کیفیت گزارشگری مالی و ارتقای میزان سودمندی اطلاعات مالی در تصمیمات اقتصادی سرمایه‌گذاران می‌شود.

و هم چنین محافظه‌کاری می‌تواند قراردادهای کارآمدتری بین مدیران و سهامداران ایجاد کند، تصمیمات سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد، نظارت بر قراردادهای تسهیل کند و هزینه‌های دادرسی را نیز کاهش دهد (واتز^۱، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵). نتیجه‌ی استفاده از استانداردهای سختگیرانه برای شناختن اخبار بد به عنوان ضرر و زیان نسبت به شناخت اخبار خوب به عنوان سود (باسو^۳ ۱۹۹۷) مفهومی که در حسابداری محافظه‌کاری گنجانده شده است ایجاد قراردادهایی است که باعث کاهش مشکلات سازمانی و نمایندگی می‌شود. این مطالعه به بررسی این موضوع می‌پردازد که تا چه میزان تفکیک (جداسازی) مالکیت شرکتی و کنترل شرکت‌ها بر محافظه‌کاری شرکت‌ها در گزارشگری مالی آنها تاثیر می‌گذارد. جداسازی مالکیت و کنترل توسط شکاف (واگرایی) بین حقوق رأی و حقوق جریان نقدی محاسبه می‌شود و مشخص شده که این شکاف، پیامدهای مهمی برای انگیزه بخشیدن به صاحبان عمده و اصلی دارد (هانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۲). در بسیاری از شرکت‌ها در سراسر جهان، حق رأی سهامداران عمده (سهامداران کنترل‌کننده) اغلب از حقوق جریان نقدی از طریق ساختارهای هرمی، سهامداران متقابل، ساختار دودسته‌ای و چندین زنجیره‌ی کنترلی تجاوز می‌کند (ایشی و متریک^۵، ۲۰۱۰). عواقب و پیامدهای شکاف بین حق رأی سهامداران عمده و حقوق جریان نقدی این است که سهامدار عمده به دلیل کنترل موثری که بر شرکت دارد، در شرکت جبهه‌گیری خواهد کرد در حالی که وقتی حقوق جریان نقدی کم باشد، سطح تناسب خوبی بین منافع سهامدار عمده و سهامداران اقلیت ایجاد می‌شود. تاثیر جبهه‌گیری و عدم انطباق انگیزه‌ها، باعث ایجاد انگیزه در سهامداران عمده می‌شود تا بتوانند از طریق تونل‌زنی و با قربانی کردن منافع سهامداران اقلیت، منافع خود را دنبال کنند (کلیسنس و همکاران^۶، ۲۰۰۲). هرچه اختلاف بین حق رأی و حقوق جریان نقدی گسترش یابد، انگیزه‌های سهامداران عمده برای جذب (سلب مالکیت) منابع شرکت برای افزایش سود شخصی افزایش می‌یابد و به همین ترتیب منفعت و مزایای سلب مالکیت، نسبت به هزینه‌های مرتبط با آن افزایش می‌یابد (کانگ و پارک^۷، ۲۰۰۴).

این انگیزه‌ها می‌توانند هم تقاضا برای محافظه‌کاری را افزایش و هم کاهش دهد. سهامداران عمده‌ی شرکت‌هایی که دارای شکاف‌های بزرگی بین کنترل و مالکیت هستند، ممکن است که، انگیزه‌های قوی برای اجرای حسابداری محافظه‌کارانه برای کاهش هزینه‌های دادرسی و هزینه‌های اداری با تسهیل بستن قراردادهای کارآمد داشته باشند این استدلال، وجود یک رابطه مثبت بین شکاف مالکیت-کنترل و محافظه‌کاری را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به این استدلال، لافوند و رویچادوری^۸ (۲۰۰۸) معتقدند که کاهش در مالکیت مدیریتی که منجر به افزایش مشکلات سازمانی و نمایندگی می‌شود با افزایش تقاضا برای محافظه‌کاری همراه خواهد بود. (کیم^۹، ۲۰۱۵).

1 watts

2 Ball, R & L. Shivakumar

3 basu

4 Hang et al

5 Ishi & metric

6 Clichyns et al

7 Cong & park

8 Lafond and Roy Chadory

9 kim

در مقابل، چون سهامدار عمده در مقابل سطوح بالایی از کنترل نسبت به مالکیت پایین سهام جبهه گیری می‌کند، انگیزه‌ها برای گزارش اطلاعات حسابداری بر اساس منافع شخصی برای پوشش و از بین بردن آثار هر گونه سلب مالکیت و یا انجام معاملاتی صرفاً برای منافع شخصی را افزایش می‌دهد (فن و وانگ^۱؛ کیم و یی^۲، ۲۰۰۶). چنین مشکلاتی می‌تواند به طور جدی به دلیل فقدان مکانیسم‌هایی برای محافظت از سهامداران اقلیت و نظارت بر فعالیت‌های سهامداران بزرگ و عمده باشد (هاو و همکارانش^۲، ۲۰۰۴؛ فن و وانگ، ۲۰۰۵). در نتیجه رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی سهامداران عمده برای برآوردن منافع و مزایای شخصی‌شان منجر به تحریف مبنا و بسترهای اقتصادی اساسی معاملات شده و در نتیجه منجر به ضعیف‌تر شدن کیفیت گزارش‌های مالی و کاهش میزان محافظه‌کاری گزارشگری مالی می‌شود. در مجموع، محافظه‌کاری می‌تواند با افزایش شکاف کنترل مالکیت کاهش یابد. با توجه به این دو استدلال که منجر به پیش‌بینی‌های متضادی می‌شود، یک سوال تجربی و پژوهشی پیش می‌آید که شکاف میان کنترل مالکیت چه اثری (منفی یا مثبت) بر محافظه‌کاری شرکت‌ها خواهد داشت. یکی از گروه‌های اصلی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، سهامداران می‌باشند در این میان سرمایه‌گذاران نهادی با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها، از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در شرکت‌های سرمایه‌پذیر برخوردار بوده و می‌توانند رویه‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند (نوروش، ۱۳۸۴).

نقش مالکان نهادی و ارتباط آنها با کیفیت سود شرکت‌های تحت تملکشان (شامل محافظه‌کاری سود) مبهم و ناشناخته است. سرمایه‌گذاران نهادی که به دو نوع منفعل و فعال تقسیم‌بندی می‌شوند، سرمایه‌گذاران نهادی منفعل انگیزه زیادی برای نظارت بر مدیریت و داشتن نماینده‌ای در هیات مدیره شرکت‌های سرمایه‌پذیر ندارند، زیرا بعید است که منافع این نظارت در کوتاه‌مدت نصیب آن‌ها شود. در نتیجه به نظر می‌رسد این مالکان علاقه‌ای به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه سود نداشته باشند. در مقابل، مالکین نهادی فعال، انگیزه زیادی برای داشتن نماینده در هیات مدیره شرکت‌های سرمایه‌پذیر دارند و این سهامداران با نظارت فعالانه بر مدیریت و تصمیمات وی، انگیزه‌هایی را برای مسؤلیت‌پذیری بیشتر مدیریت فراهم می‌آورند. این موضوع بدان جهت اهمیت دارد که اخیراً، سود محافظه‌کارانه به نوعی سود با کیفیت تلقی شده و عدم تقارن در شناسایی سودها و زیان‌ها (شناسایی سریع‌تر زیان‌ها نسبت به سودها)، قابلیت اتکای اعداد صورت‌های مالی را افزایش داده است. از طرف دیگر مالکان عمده شرکت‌ها، با یک افق دید بلندمدت، شرکت‌ها را مدیریت نموده، از تقسیم سودهای آتی (در پی ارائه سودهای واهی) جلوگیری می‌نمایند و یا با افق دید کوتاه‌مدت، مدیریت را به ارائه سودهای بالا تحریک می‌کنند تا از افزایش قیمت ناشی از تعدیل‌های سود مثبت استفاده نمایند، همچنان به عنوان یک موضوع قابل تحقیق باقی مانده است. با این حال، مالکان نهادی معمولاً به دلیل در اختیار داشتن درصد قابل توجهی از سهام شرکت‌ها و همچنین حرفه‌ای بودن در امر سرمایه‌گذاری، توان انگیزه لازم برای نظارت بر شرکت‌ها را دارا می‌باشند و سهامداران اقلیت سهم کمتری در کنترل شرکت دارند. این موضوع باعث ایجاد فاصله مالکیت و کنترل می‌گردد بدین علت این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از طریق بررسی تجربی و انجام آزمون‌های علمی بر روی اطلاعات وقوع یافته در بورس اوراق بهادار تهران راهکارهای مفیدی در امر تصمیم‌گیری خرید و فروش سهام به سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران ارائه شود.

همچنین حضور سرمایه‌گذاران عمده، از جمله سازمان‌های بزرگ دولتی، و موسسات مالی در بازار سرمایه این سوال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا ساختار مالکیت می‌تواند در جهت ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا که موجب کارآتر شدن بازار و تصمیم‌گیری‌های بهتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و در نتیجه تخصیص بهتر سرمایه صنایع با فرصت رشد بالاتر می‌شود، موثر باشد و یا اینکه باید تغییراتی در نحوه تخصیص سرمایه بین سهامداران مختلف، مخصوصاً نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ صورت گیرد و این موضوع که مالکان عمده شرکت‌ها، با یک افق دید (بلندمدت سرمایه‌گذاران فعال)، شرکت‌ها را مدیریت نموده، از تقسیم سودهای آتی (در پی ارائه سودهای واهی) جلوگیری می‌نمایند و یا با افق دید (کوتاه مدت سرمایه‌گذاران منفعل)، مدیریت را به ارائه سودهای بالا تحریک می‌کنند تا از افزایش قیمت ناشی از تعدیل‌های سود مثبت

¹ Fan & wang

² Haw at al

استفاده نمایند، همچنان به عنوان یک موضوع قابل تحقیق باقی مانده است. نتایج این تحقیق می‌تواند به ما کمک کند تا به پرسش فوق پاسخ دهیم و به این درک برسیم که آیا لازم است برای دستیابی به بازاری کارا تر تغییراتی در ساختار مالکیت شرکت‌ها ایجاد کنیم و حتی محدودیت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری طبقات خاصی از سهامداران در نظر بگیریم؟

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیقات

ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که احتمال سلب مالکیت اقلیت سهامداران با کنترل سهامداران عمده وجود دارد. در نتیجه، اثرات منفی مشکل نمایندگی می‌تواند شدید باشد. همچنین شرکت‌هایی که مشکل نمایندگی دارند ممکن است برای گزارشگری مالی و کاهش هزینه‌های نمایندگی و سایر موارد مربوط به دادخواهی تقاضا برای محافظه‌کاری را ترجیح دهند (لافوند و واتس، ۲۰۰۸).

هاو و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که بیشتر مشکلات نمایندگی، ناشی از ساختار مالکیت ممکن است بر گزارش مالی یک شرکت از طریق مدیریت درآمد بر منافع تأثیر بگذارد. بال و شیواکومار (۲۰۰۵) شرکت‌های خصوصی در مقایسه با شرکت‌های دولتی محافظه‌کاری کمتری دارند. سطح بالاتر نظارت و نظارت در دسترس برای شرکت‌های دولتی و در نتیجه ساز و کار حاکمیت شرکت‌های عمومی می‌تواند تقاضای قوی‌تری برای محافظه‌کاری ایجاد نماید. گارسیا و همکاران^۱ (۲۰۰۹) شواهدی ارائه می‌دهد که شرکت‌هایی که دارای حاکمیت قوی‌تری هستند درجه بالایی از محافظه‌کاری دارند. آن‌ها استدلال می‌کنند که حکومت شرکت‌ها نقش مهمی در اجرای مناسب محافظه‌کاری دارند. احمد و دوالمن^۲ (۲۰۰۷) دریافتند شرکت‌های با مکانیزم حاکمیت خوب و اندازه‌گیری شده توسط استقلال هیئت مدیره، محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. محافظه‌کاری سود، مدیران را از رفتارهای فرصت طلبانه و خوش‌بینی بیش از حد در ارائه سود باز داشته، بدین ترتیب سود محافظه‌کارانه‌تر، با کیفیت‌تر تلقی می‌شود. با این اوصاف، انتظار می‌رود نهادها انگیزه‌هایی برای گزارش محافظه‌کارانه سود داشته باشند. بر این اساس، در این نوشته رابطه بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری بررسی می‌شود. تاریک اسماعیل و البلوک^۳ (۲۰۱۶) دریافتند که محافظه‌کاری شرطی تأثیر منفی بر کیفیت سود و قیمت سهام در شرکت‌های مصری دارد و محافظه‌کاری غیرشرطی تأثیری بر کیفیت سود ندارد اما با قیمت سهام رابطه منفی دارد.

بیکس و همکاران^۴ (۲۰۱۵) نشان دادند اعمال محافظه‌کاری در حسابداری و گزارشگری مالی هم مانند به کارگیری یک ساز و کار راهبری شرکتی است. زیرا همان‌گونه که ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی می‌توانند به بهبود کیفیت گزارشگری مالی برون سازمانی منجر شوند، محافظه‌کاری حسابداری نیز می‌تواند ارتقاء کیفیت گزارشگری مالی برون سازمانی را در پی داشته باشد هانگ و همکاران (۲۰۱۲)، اظهار داشتند، همان‌طور که حق رأی و نقدینگی متفاوت است، کنترل سهامداران برای جلب ثروت سهامداران اقلیت و پنهان کردن انگیزه‌های غیرمستقیم افزایش می‌یابد. گاه و لی^۵ (۲۰۱۱) شرکت‌هایی که محیط کنترلی ضعیفی دارند یا انگیزه‌های نظارتی کمتری دارند، به احتمالی زیاد به اجرای گزارش‌های محافظه‌کارانه گزارشگری مالی اقدام می‌کنند، آنان رابطه مثبتی بین سیستم‌های کنترل داخلی و محافظه‌کاری یافتند و نشان می‌دهند که کنترل داخلی قوی موجب تقویت یک شرکت می‌شود و بنابراین ایجاد انگیزه برای گزارشگری مالی با کیفیت بالا ایجاد می‌کند. افوند و رویچودهاری (۲۰۱۰) نشان می‌دهد بین نسبت بدهی با محافظه‌کاری رابطه مثبت و معناداری برقرار است؛ یعنی با افزایش سطح بدهی تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش می‌یابد و پایین بودن مالکیت مدیریتی منجر به شدیدتر شدن مشکلات نمایندگی می‌شود و بدین‌وسیله تقاضا برای محافظه‌کاری حسابداری افزایش می‌یابد. هو و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر پیش زمینه حسابداری مدیر عامل بر میزان دستکاری و محافظه‌کاری گزارش سود پرداخته‌اند. نتایج نشان داد مدیرانی که دارای پیش زمینه حسابداری هستند احتمال کمتر دارد که خود را در اقلام تعهدی افزایش دهنده‌ی درآمد درگیر کنند. و

¹ García et al

² Ahmed, A & S. Duellman

³ Ismail & Elbolok

⁴ Biks et al

⁵ Goh, B. W & D. Li

همچنین مدیرانی که دارایی پیش زمینه حسابداری احتمال بیشتری دارد که سطح پایین تری از محافظه کاری حسابداری را نشان دهند. ماجد و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان اثیر رقابت بازار بر محافظه کاری مشروط، نقش تعدیلی تغییر قوانین و ساختار مالکیتبه این موضوع پرداخته اند. هدفشان از این تحقیق بررسی تاثیر رقابت بازار بر محافظه کاری مشروط، نقش تعدیلی تغییر قوانین و ساختار مالکیت است. قلمرو مکانی آن شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کشور چین و قلمرو زمانی سال های بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ بوده است. داده های این پژوهش با استفاده از گزارش های مالی موجود در بورس اوراق بهادار کشور چین جمع آوری شده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که با افزایش رقابت بازار؛ محافظه کاری مشروط نیز افزایش می یابد، دیگر نتایج حاکی از تاثیر گذاری تغییر قوانی بر روابط بین رقابت بازار و محافظه کاری مشروط می باشد، در نهایت نتایج نشان داد که مالکیت دولتی بر روابط بین رقابت بازار و محافظه کاری مشروط تاثیر گذار نمی باشد در حالی که مالکیت مدیریتی و نهادی تاثیر مثبتی بر روابط بین متغیرهای یاد شده دارد. گو و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان رابطه بین محافظه کاری مشروط و تامین مالی از طریق بدهی در برابر سرمایه به این موضوع پرداخته اند. هدفشان از این تحقیق بررسی رابطه بین محافظه کاری مشروط و تامین مالی از طریق بدهی در برابر سرمایه است. قلمرو مکانی این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین و قلمرو زمانی سال های بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ بوده است. داده های این پژوهش با استفاده از گزارش های مالی موجود در بورس اوراق بهادار کشور چین جمع آوری شده است. یافته های این تحقیق نشان که کاهش هزینه های مربوط به محافظه کاری برای سهامداران بیشتر نسبت به صادرکنندگان بدهی بیشتر است، اما در صورت بررسی بدهی، چنین تفاوتی دیده نمی شود. علاوه بر این، نتایج نشان می دهد که اثر مثبت محافظه کاری بر انتخاب بدهی سهام (نسبت به صدور اوراق قرضه) هنگامی که عدم تقارن اطلاعات بین شرکت و سهامداران آن شدیدتر است، بیشتر شد.

چی و دیگران^۳ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که در شرکت هایی که بیشتر سهامشان در اختیار سهامداران نهادی بوده، نیاز به حسابداری محافظه کارانه کمتر است. پاک مرام و محرم پور علویانی (۱۳۹۵) نشان می دهند درصد مالکیت دولتی بر سطح محافظه کاری غیرشرطی حسابداری تأثیر دارد و سطح محافظه کاری غیرشرطی در شرکت های با درصد مالکیت دولتی بالا نسبت به پایین کمتر است و از بین متغیرهای کنترلی وارد شده اهرم مالی تأثیر مثبت بر محافظه کاری غیرشرطی حسابداری دارد. شکی و معطوقی (۱۳۹۵) نشان دادند، مالکیت نهادی غیرفعال با محافظه کاری حسابداری رابطه منفی معناداری وجود دارد و مالکیت نهادی فعال با محافظه کاری حسابداری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. سرلک و کلوانی (۱۳۹۴) نشان دادند، هیچ گونه رابطه معنی داری بین مالکیت نهادی مستقل با افق سرمایه گذاری بلندمدت و محافظه کاری، مالکیت نهادی وابسته با افق سرمایه گذاری بلندمدت و محافظه کاری و نیز مالکیت نهادی با افق سرمایه گذاری کوتاه مدت و محافظه کاری وجود ندارد. مهرانی و همکاران (۱۳۹۴)، به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت ها به استفاده از رویه های محافظه کارانه بیشتر می شود. رشیدیان و همکاران (۱۳۹۳) نشان می دهند درصد مالکیت دولتی بر سطح محافظه کاری شرطی حسابداری تأثیر دارد و از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی؛ اندازه شرکت رابطه مثبت با محافظه کاری شرطی داشته و اهرم مالی رابطه منفی با محافظه کاری شرطی حسابداری دارد. اسدی و جلالیان (۱۳۹۱) نشان دادند، روابط بین تمرکز مالکیت، درصد سهامداران نهادی، اهرم مالی و اندازه شرکت با محافظه کاری با توجه به مدل محاسبه محافظه کاری متفاوت است. طبق مدل اول و دوم، رابطه مستقیم و معناداری بین محافظه کاری و اهرم مالی به عنوان نماینده ساختار سرمایه وجود دارد و بین محافظه کاری و تمرکز مالکیت رابطه ای مشاهده نشد. در مدل اول، بین درصد سهامداران نهادی و محافظه کاری رابطه ای مشاهده نشد ولی در مدل دوم رابطه معکوس و معنادار مشاهده شد. نیکومرام و همکاران (۱۳۸۹) نشان می دهد که شاخص محافظه کاری حسابداری با بحران مالی شرکت ها دارای رابطه معنی دار و مستقیم است و محافظه کاری حسابداری را

¹ Majed et al

² Goh et al

³ Chi

مکانیزم قراردادی مؤثری برای محدود نمودن رفتار جانب‌دارانه مدیر در بیش‌نمایی از سود، در شرکت‌های دارای بحران مالی می‌شناسد.

مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) یافته‌های به‌دست‌آمده از وجود رابطه مثبت بین مالکیت نهادی و محافظه‌کاری سود حکایت دارند؛ به عبارت دیگر، با افزایش سطح مالکیت نهادی، تمایل شرکت‌ها به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه بیشتر می‌گردد. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد این سهامداران ناظران فعالی هستند که مدیران را به گزارش سود با کیفیت بالاتر (از طریق کاربرد رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تر) تشویق می‌کنند. همچنین، بعد از تفکیک مالکان نهادی به فعال و منفعل، رابطه مثبت و معناداری بین مالکیت نهادی منفعل و محافظه‌کاری سود نیز یافت شد. البته، در ارتباط با مالکیت نهادی فعال، نتیجه قابل اتکایی حاصل نشده است.

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول- بین فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه دوم- بین فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه سوم- بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی با محافظه‌کاری حسابداری غیرشرطی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه چهارم- بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه پنجم- بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۴. روش تحقیق

این تحقیق از جهت هدف اجرا از نوع کاربردی، از جهت نوع داده کمی، از نظر زمان اجرا: پژوهش حاضر، از جهت زمان اجرا مقطعی، از جهت منطق اجرا استقرایی و از جهت نحوه اجرا توصیفی، پیمایشی و از نوع همبستگی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و داده‌های تحقیق با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی و با نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیر پرداز، جمع‌آوری گردیده است.

جامعه آماری، این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است که با استفاده از پیش فرض‌های زیر نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند:

۱. تعداد شرکت‌های که در سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ بطور مستمر در بورس حضور داشته‌اند.
 ۲. تعداد شرکت‌های که جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانکها و بیمه‌ها بوده‌اند
 ۳. تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد
 ۴. تعداد شرکت‌هایی که در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی داده‌اند
 ۵. تعداد شرکت‌هایی که حداقل در یکی از سالهای دوره تحقیق، توقف نماد معاملاتی داشته‌اند.
- بنابراین با توجه به موارد بند ۱ الی ۵ تعداد ۱۱۰ شرکت به عنوان نمونه تحقیق و با روش حذف سیستماتیک انتخاب شدند و برای هر متغیر این پژوهش تعداد ۵۵۰ داده-سال، جهت آزمون فرضیه‌های آماری محاسبه شده است.
- در این تحقیق جهت اظهارنظر درباره هر یک از فرضیه‌های پژوهش مدلی ارائه شده که مدل مورد استفاده برای فرضیه اول به صورت مدل (۱)، می‌باشد:

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 SP1_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 CAP_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 CYCLE_{it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \epsilon_{it} \quad (1)$$

مدل مورد استفاده برای فرضیه دوم به صورت مدل (۲)، می‌باشد:

$$Size_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \varepsilon_{i,t\epsilon} + \beta CYCLE_{it} \Delta LEV_{it} + \beta_f CAP_{it} + \beta_r CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 SP2_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta \quad (2)$$

مدل مورد استفاده برای فرضیه سوم به صورت مدل (۳)، می باشد:

$$Size_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \varepsilon_{i,t\epsilon} + \beta CYCLE_{it} \Delta LEV_{it} + \beta_f CAP_{it} + \beta_r CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 SP3_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta \quad (3)$$

مدل مورد استفاده برای فرضیه چهارم به صورت مدل (۴)، می باشد:

$$Size_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \varepsilon_{i,t\epsilon} + \beta CYCLE_{it} \Delta LEV_{it} + \beta_f CAP_{it} + \beta_r CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 SP4_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta \quad (4)$$

مدل مورد استفاده برای فرضیه پنجم به صورت مدل (۵)، می باشد:

$$Size_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \varepsilon_{i,t\epsilon} + \beta CYCLE_{it} \Delta LEV_{it} + \beta_f CPA_{it} + \beta_r CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 SP5_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta \quad (5)$$

جدول (۱) شیوه اندازه گیری متغیرها

نوع متغیر	نام متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه
متغیر مستقل	فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال	SP1	درصد مالکیت نهادی منهای درصد مالکیت نهادی فعال (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).
متغیر مستقل	فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال	SP2	درصد مالکیت عمده منهای درصد مالکیت نهادی فعال در شرکت به دست می آید و در این تحقیق سهامدارانی که دارای بیش از پنج درصد کل سهام منتشره، سهام داشته باشند به عنوان سهامدار عمده در نظر گرفته می شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).
متغیر مستقل	فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی	SP3	درصد مالکیت اقلیت منهای درصد مالکیت نهادی در شرکت به دست می آید و درصد مالکیت سهامداران خرد با مراجعه به یادداشت های پیوست صورت های مالی و ترکیب مالکیت سهامداران به دست آمده است و در این تحقیق منظور از سهامداران خرد، طبق قانون بازار بورس اوراق بهادار تهران مالکین کمتر از ۵ درصد می باشند (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).
متغیر مستقل	فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال	SP4	درصد مالکیت اقلیت منهای درصد مالکیت نهادی فعال در شرکت به دست می آید (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).
متغیر مستقل	فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده	SP5	درصد مالکیت اقلیت منهای درصد مالکیت نهادی عمده در شرکت به دست می آید و بر اساس پژوهش پور زمانی و خریدار، در پژوهش حاضر منظور از مالکان نهادی عمده، درصد مالکیت در دست بانک ها و صندوق های سرمایه گذاری است که بر کل سهام تقسیم می گردد (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).
متغیر وابسته	محافظه کاری غیرشرطی	CONS	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و ضرب آن در (-۱)
متغیر کنترلی	اندازه شرکت	Size	لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت
متغیر کنترلی	فشرده گی سرمایه	CPA	نسبت خالص دارایی های ثابت مشهود بر کل دارایی ها

متغیر کنترلی	چرخه سرمایه‌گذاری	CYCLE	$DEPT = \frac{DEPT}{ATA}$ DEPT: هزینه استهلاک ATA: میانگین کل دارایی (شاهعلی زاده، ۱۳۹۲).
متغیر کنترلی	اهرم مالی	LEV _{it} ⁺	جمع کل بدهی‌ها تقسیم بر جمع دارایی‌های شرکت (شاهعلی زاده، ۱۳۹۲).
متغیر کنترلی	بازده دارایی‌ها	ROA _{it}	درآمد خالص تقسیم بر کل دارایی شرکت (شاهعلی زاده، ۱۳۹۲).
متغیر کنترلی	عمر شرکت	AGE	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت (شاهعلی زاده، ۱۳۹۲).

۵. یافته‌های علمی پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، متغیرها به صورت خلاصه در جدول (۲)، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

عمر شرکت	بازده دارایی‌ها	اهرم مالی	چرخه مخارج سرمایه‌ای	فشاردگی سرمایه	اندازه شرکت	فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده	فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی	فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی	فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی	فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی	محافظة کاری غیر شرطی	میانگین
AGE	ROA	LEV	CYCLE	CPA	SIZE	SP5	SP4	SP3	SP2	SP1	CONS	
۱/۵۴۲۳	۰/۰۹۵۴	۰/۶۳۷۸	۰/۰۰۱۵	۰/۲۴۴۰	۶/۰۷۲۹	-۰/۴۵۳۸	-۰/۰۶۹۱	-۰/۱۷۷۲	۰/۳۸۶۰	۰/۱۱۶۴	-۰/۴۲۰۷	میانگین
۱/۵۹۰۰	۰/۰۸۰۰	۰/۶۲۰۰	۰/۰۰۰۸	۰/۲۰۰۰	۶/۰۲۰۰	-۰/۵۱۰۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۱۳۰۰	۰/۴۶۰۰	۰/۰۴۰۰	-۰/۴۱۳۵	میانه
۱/۸۱۰۰	۰/۶۳۰۰	۳/۰۶۰۰	۰/۰۴۲۹	۰/۸۲۰۰۰	۸/۱۴۰۰	۰/۹۱۰۰	۰/۹۱۰۰	۰/۹۱۰۰	۰/۹۵۰۰	۰/۹۵۰۰	۰/۰۰۰۰	ماکسیمم
۱/۰۸۰۰	-۰/۴۵۰۰	۰/۰۷۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۴/۵۰۰۰	-۰/۹۸۰۰	-۰/۹۷۰۰	-۰/۹۸۰۰	۰/۵۰۰۰	-۱/۱۸۰۰	-۰/۸۶۰۰	مینیمم
۰/۱۶۰۸	۰/۱۳۸۴	۰/۲۸۸۰	۰/۰۰۳۲	۰/۱۷۸۲	۰/۶۱۹۸	۰/۳۴۵۳	۰/۴۱۷۵	۰/۴۴۶۵	۰/۳۱۶۲	-۰/۱۹۷۹	۰/۱۸۳۲	انحراف معیار
-۰/۷۵۸۴	۰/۱۵۴۸	۲/۷۱۰۶	۸/۳۸۸۸	۱/۰۲۸۶	۰/۵۷۹۵	۱/۰۶۳۹	-۰/۳۰۴۳	۰/۰۰۹۸	-۰/۰۰۳۳	۲/۳۷۶۹	-۰/۱۱۶۹	چولگی
۲/۷۴۹۸	۴/۳۸۲۱	۲۰/۱۱۱	۹۴/۹۱۲	۳/۵۲۲۲	۴/۰۰۹۷	۱/۲۰۰۴	۲/۲۰۳۰	۲/۰۰۶۵	۱/۵۸۷۵	۸/۳۴۵۳	۲/۵۵۸۲	کشدگی
۵۴/۱۵۹	۴۵/۹۷۲	۷۳۸۴/۰	۲۰۰۰۴۸	۱/۰۳/۲۵	۵۴/۱۵۱	۱۳۶/۷۸	۲۳/۰۴۲	۲۲/۶۲۴	۴۵/۷۲۰	۱۱۷۲/۶	۵/۷۲۶۷	آزمون جاکو- برا
۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۵۵۰	مشاهدات

منبع: یافته‌های محقق

در جدول (۲)، میانگین که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست، برای متغیر محافظه‌کاری غیرشرطی برابر ۰/۴۲ است. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان‌دهنده نرمال بودن این متغیر می‌باشد که برای متغیر محافظه‌کاری غیرشرطی برابر ۰/۴۱ است. شاخص‌های پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی است که برای متغیر محافظه‌کاری غیرشرطی برابر ۰/۱۸ می‌باشد. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند که مقدار ضریب چولگی برای متغیر محافظه‌کاری غیرشرطی مثبت و نزدیک صفر

می باشد که نشان می دهد توزیع نرمال و خیلی کم چوله به راست می باشد. شاخص پراکندگی میزان کشیدگی یا پخی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می نامند که در این پژوهش برای تمام متغیرها کشیدگی مثبت می باشد.

۵-۲. خلاصه تجزیه و تحلیل ها به تفکیک هر فرضیه

۵-۲-۱. آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: بین فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی دار وجود دارد.

جدول ۳: خلاصه نتایج الگوی فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۱/۰۸۳۵۷۹	۰/۴۱۲۶۳۷	۲/۶۲۵۹۹۰	۰/۰۰۸۹
فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال	-۰/۱۳۹۶۰۳	۰/۰۵۸۶۳۷	-۲/۳۸۰۷۹۰	۰/۰۱۷۷
بازده دارایی ها	-۰/۱۰۵۳۰۴	۰/۰۷۸۲۴۶	-۱/۳۴۵۸۱۶	۰/۱۷۹۱
فشردگی سرمایه	۰/۳۳۵۳۶۵	۰/۰۷۲۰۵۴	۴/۶۵۴۳۴۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۴۲۷۲۵	۰/۰۳۸۱۰۴	-۱/۱۲۱۲۹۲	۰/۲۶۲۸
چرخه سرمایه گذاری	-۶/۴۲۱۹۴۴	۳/۵۳۱۸۴۲	-۱/۸۱۸۲۹۹	۰/۰۶۹۷
اندازه شرکت	۰/۳۲۵۵۹۳	۰/۰۵۴۷۹۷	۵/۹۴۱۷۶۶	۰/۰۰۰۰
عمر شرکت	-۱/۷۴۴۶۲۵	۰/۳۴۱۶۲۱	-۵/۱۰۶۹۰۲	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۶۵۸۷۸۵	-آماره F		۷/۲۰۶۸۴۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۶۷۳۷۴	سطح معناداری		۰/۰۰۰۰۰۰
دوربین واتسون				۲/۱۷۴۲۶۳

منبع: یافته های محقق

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۳)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه کاری غیرشرطی حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد و ضریب برآورد شده برای متغیر فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال بر محافظه کاری غیرشرطی حسابداری منفی و معنادار می باشد و احتمال آماره t برای متغیرهای بازده دارایی ها، اهرم مالی و چرخه سرمایه گذاری بر محافظه کاری غیرشرطی حسابداری بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی دار نیست؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی معنی می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می دهد که قادر است به میزان ۵۷٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنی دار می باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه کاری غیرشرطی حسابداری در مدل معنی دار می باشد، بنابراین فرض صفر رد می شود و بین فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی دار وجود دارد.

۵-۲-۲. آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: بین فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال با محافظه کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی دار وجود دارد.

جدول ۴: خلاصه نتایج الگوی فرضیه دوم

ضرایب	خطای استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
۱/۲۳۶۵۳۶	۰/۴۱۱۸۸۲	۳/۰۰۲۱۶۱	۰/۰۰۲۸
-۰/۰۹۶۳۲۸	۰/۰۴۴۴۰۸	-۲/۱۶۹۱۴۳	۰/۰۳۰۶
-۰/۰۹۵۵۴۵	۰/۰۷۸۱۵۹	-۱/۲۲۲۴۴۳	۰/۲۲۲۲
۰/۳۲۹۰۰۶	۰/۰۷۲۴۵۲	۴/۵۴۰۹۹۷	۰/۰۰۰۰
-۰/۰۳۰۷۱۶	۰/۰۳۸۱۰۸	-۰/۸۰۶۰۲۸	۰/۴۲۰۷
-۵/۹۵۴۰۵۹	۳/۵۴۰۷۹۵	-۱/۶۸۱۵۶۰	۰/۰۹۳۴
۰/۳۴۳۱۵۳	۰/۰۵۵۵۷۱	۶/۱۷۵۰۷۳	۰/۰۰۰۰
-۱/۸۸۳۳۳۴	۰/۳۴۳۷۰۸	-۵/۴۷۹۴۶۴	۰/۰۰۰۰
۰/۶۵۸۰۳۴	-	آماره-F	۷/۱۸۲۸۲۹
۰/۵۶۶۴۲۲	-	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰۰۰
دوربین واتسون	-	۲/۲۳۶۹۵۹	-

منبع: یافته‌های محقق

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۴)، احتمال آماره t برای ضرایب ثابت و ضرایب متغیرهای فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و ضریب برآورد شده برای متغیر فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری منفی و معنادار می‌باشد و احتمال آماره t برای متغیرهای بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و چرخه سرمایه‌گذاری بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نیست؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی معنی می‌باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری در مدل معنی‌دار می‌باشد بنابراین فرض صفر رد می‌شود یعنی بین فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۳-۲-۵. آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی با محافظه‌کاری حسابداری غیرشرطی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۵: خلاصه نتایج الگوی فرضیه سوم

ضرایب	خطای استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
۱/۴۲۱۶۲۴	۰/۴۲۸۳۷۹	۳/۳۱۸۶۱۱	۰/۰۰۱۰
-۰/۰۸۳۰۷۳	۰/۰۴۱۱۸۳	-۲/۰۱۷۱۵۲	۰/۰۴۴۳
-۰/۰۹۸۳۵۹	۰/۰۷۸۲۵۷	-۱/۲۵۶۸۶۸	۰/۲۰۹۵
۰/۳۴۲۱۹۶	۰/۰۷۲۰۵۵	۴/۷۴۹۰۹۷	۰/۰۰۰۰
-۰/۰۲۸۶۰۰	۰/۰۳۸۲۳۱	-۰/۷۴۸۰۸۲	۰/۴۵۴۸
۶/۳۴۸۲۱۲	۳/۵۳۸۲۳۸	-۱/۷۹۴۱۷۳	۰/۰۷۳۵
۰/۳۲۰۶۷۵	۰/۰۵۴۹۱۵	۵/۸۳۹۴۷۰	۰/۰۰۰۰
-۱/۹۳۱۷۸۲	۰/۳۴۸۱۷۴	-۵/۵۴۸۳۲۸	۰/۰۰۰۰
۰/۶۵۷۵۳۶	-	آماره-F	۷/۱۶۶۹۶۱
۰/۵۶۵۷۹۱	-	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰۰۰
دوربین واتسون	-	۲/۱۸۲۲۵۱	-

منبع: یافته‌های محقق

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۵)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و ضریب برآورد شده توسط نرم‌افزار برای متغیر فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری منفی و معنادار می‌باشد و احتمال آماره t برای متغیرهای بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و چرخه سرمایه‌گذاری بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نیست؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی معنی می‌باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری در مدل معنی‌دار می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۴-۲-۵. آزمون فرضیه چهارم

فرضیه چهارم: بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۶: خلاصه نتایج الگوی فرضیه چهارم

ضرایب	خطای استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
۱/۲۱۷۰۰۶	۰/۴۳۰۲۶۵	۲/۸۲۸۵۰۲	۰/۰۰۴۹
۰/۰۱۴۳۹۸	۰/۰۴۷۳۱۸	۰/۳۰۴۲۸۳	۰/۷۶۱۱
-۰/۰۹۳۷۹۸	۰/۰۷۸۶۷۶	-۱/۱۹۲۲۰۹	۰/۲۳۳۸
۰/۳۴۵۲۸۱	۰/۰۷۲۶۵۸	۴/۷۵۲۱۴۸	۰/۰۰۰۰
-۰/۰۳۵۴۴۱	۰/۰۳۸۲۵۷	-۰/۹۲۶۳۸۵	۰/۳۵۴۸
-۶/۳۹۱۴۸۳	۳/۵۵۵۲۷۷	-۱/۷۹۷۷۴۵	۰/۰۷۲۹
۰/۳۲۳۸۶۲	۰/۰۵۵۱۴۴	۵/۸۷۳۰۲۴	۰/۰۰۰۰
-۱/۸۱۸۴۶۱	۰/۳۵۱۲۲۵	-۵/۱۷۷۴۸۳	۰/۰۰۰۰
۰/۶۵۴۳۹۲	F-آماره	۷/۰۶۷۷۹۹	
۰/۵۶۱۸۰۴	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰۰۰	
	دوربین واتسون	۲/۱۹۹۱۵۶	

منبع: یافته‌های محقق

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۶)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و احتمال آماره t برای متغیرهای فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و چرخه سرمایه‌گذاری بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی معنی می‌باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و چرخه سرمایه‌گذاری بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری در مدل معنی‌دار نمی‌باشد بنابراین فرض صفر تائید می‌شود یعنی بین فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۵-۲-۵. آزمون فرضیه پنجم

فرضیه پنجم: بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۷: خلاصه نتایج الگوی فرضیه پنجم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۱/۴۱۶۶۶۴	۰/۴۲۳۸۳۴	۳/۳۴۲۴۹۶	۰/۰۰۰۹
فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده	-۰/۷۹۹۵۶	۰/۰۳۵۲۳۵	-۲/۲۶۹۲۰۴	۰/۰۲۳۷
بازده دارایی‌ها	-۰/۱۰۰۰۲۳	۰/۰۷۸۱۷۷	-۱/۲۷۹۴۳۵	۰/۲۰۱۴
فشردگی سرمایه	۰/۳۱۹۴۳۲	۰/۰۷۲۹۶۵	۴/۳۷۷۸۵۳	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۲۸۵۳۴	۰/۰۳۸۱۵۱	-۰/۷۴۷۹۱۱	۰/۴۵۴۹
چرخه سرمایه‌گذاری	-۶/۱۴۷۰۲۵	۳/۵۳۵۲۰۰	-۱/۷۳۸۸۰۶	۰/۰۸۲۸
اندازه شرکت	۰/۳۳۸۷۴۷	۰/۰۵۵۲۱۷	۶/۱۳۴۸۱۹	۰/۰۰۰۰
عمر شرکت	۱/۹۸۲۲۷۰	۰/۳۵۰۹۲۲	-۵/۶۴۸۷۵۱	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۶۵۸۳۸۱		آماره-F	۷/۱۹۳۹۰۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۶۶۸۶۱		سطح معناداری	۰/۰۰۰۰۰۰
دوربین واتسون				۲/۲۲۵۲۴۲

منبع: یافته‌های محقق

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۷)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و ضریب برآورد شده برای متغیر فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری منفی و معنادار می‌باشد؛ و احتمال آماره t برای متغیرهای بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و چرخه سرمایه‌گذاری بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری بیشتر از ۵٪ است. از این رو ضریب برآوردی متغیرهای فوق از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیر در مدل رگرسیونی بی‌معنی می‌باشد. با توجه به فرضیه چون متغیرهای فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده، فشردگی سرمایه، اندازه شرکت و عمر شرکت بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری در مدل معنی‌دار می‌باشد بنابراین فرض صفر رد می‌شود یعنی بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این پژوهش به دنبال یافتن تأثیر جدایی مالکیت از کنترل بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری می‌باشد و با توجه به نتایج رگرسیون حاصل گردید که بین فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری و همچنین بین فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. از طرفی با بررسی سایر فرضیه‌های پژوهش مشخص شد است که بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی با محافظه‌کاری حسابداری غیرشرطی و نیز بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، در صورتی که بین فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری رابطه منفی و معنی‌دار وجود نداشته است. نتایج پژوهش حاضر تا حدودی در راستای مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌باشد، محققانی نظیر چونگ و همکاران^۲ (۲۰۰۲) نشان دادند حضور سرمایه‌گذاران نهادی فعال، سبب کاهش استفاده از رویه‌های غیر محافظه‌کارانه برای مدیریت سود می‌شود. بال و شیواکومار (۲۰۰۵) شرکت‌های خصوصی در مقایسه با شرکت‌های دولتی محافظه‌کارای کمتری دارند. سطح بالاتر نظارت و نظارت در دسترس برای شرکت‌های دولتی و در نتیجه سازگار حاکمیت شرکت‌های عمومی می‌تواند تقاضای قوی‌تری برای محافظه‌کاری ایجاد نماید که با نتایج این پژوهش مطابقت دارد. گارسیا و همکاران (۲۰۰۹) شواهدی ارائه می‌دهند که شرکت‌هایی که دارای حاکمیت قوی‌تری هستند درجه بالایی از محافظه‌کاری دارند. آن‌ها استدلال می‌کنند که حاکمیت شرکت‌ها نقش مهمی در اجرای مناسب محافظه‌کاری دارند. احمد و دوالم (۲۰۰۷) دریافتند شرکت‌های با مکانیزم حاکمیت خوب و اندازه‌گیری شده توسط استقلال هیئت مدیره، محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. سرلک و کلوانی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین انواع مالکیت نهادی و محافظه‌کاری در

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاکی از این است که هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری بین مالکیت نهادی مستقل با افق سرمایه‌گذاری بلندمدت و محافظه‌کاری، مالکیت نهادی وابسته با افق سرمایه‌گذاری بلندمدت و محافظه‌کاری و نیز مالکیت نهادی با افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و محافظه‌کاری وجود ندارد. که از این نظر با نتایج پژوهش حاضر در یک راستا می‌باشد. شکی و معطوقی (۱۳۹۵) نشان دادند، مالکیت نهادی غیرفعال با محافظه‌کاری حسابداری رابطه منفی معناداری وجود دارد و مالکیت نهادی فعال با محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ که تا حدودی با نتایج پژوهش حاضر در یک راستا می‌باشد.

۷. پیشنهادات و محدودیت‌ها

۷-۱. پیشنهادات کاربردی

بر مبنای نتایج فرضیه اول، لذا به سرمایه‌گذاران توصیه می‌گردد علاوه بر متغیرهای اقتصادی و حسابداری تأثیرگذار بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری، به فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال نیز توجه شود. الزام شرکت‌ها به ارائه اطلاعاتی علاوه بر اطلاعات رایج، به‌عنوان مثال بخشی تحت عنوان فاصله مالکیت نهادی و مالکیت نهادی فعال پیشنهاد می‌گردد. با توجه به نتایج فرضیه دوم، در حوزه کاربردی به دست‌اندرکاران تهیه و تدوین مبنای نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری ملی توصیه می‌شود، نتایج این تحقیق و تحقیقات داخلی مشابه را مد نظر قرار داده و جایگاه مبنای نظری و ویژگی‌های کیفی خاص گزارشگری مالی شرکت‌ها را با توجه به فاصله مالکیت عمده و مالکیت نهادی فعال، تعیین نمایند کارگزاران بورس و مشاوران مالی نیز که وظیفه آن‌ها تجزیه و تحلیل وضعیت مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و تشریح وضعیت مالی آینده شرکت‌ها برای متقاضیان خرید سهام شرکت‌ها می‌باشد، می‌توانند مدل‌ها و نتایج این پژوهش را در انتخاب پرتفوی سرمایه‌گذاری مد نظر قرار دهند. با توجه به نتایج فرضیه سوم، شایسته است سازمان حسابرسی و دیگر نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی، در تدوین استانداردهای حسابداری و قوانین مالی، مقوله محافظه‌کاری حسابداری غیرشرطی را مورد عنایت بیشتر قرار دهند و با ارائه رهنمودهای لازم برای محدود نمودن مدیران، استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی را به منظور اتخاذ تصمیم‌های بهینه و آگاهانه، بیش‌ازپیش یاری نمایند. با توجه به نتایج فرضیه چهارم، به مؤسسات آموزشی و دانشجویان پیشنهاد می‌شود که از نتایج این تحقیق در مطالعات تطبیقی و دیگر تحقیقات مالی استفاده کنند و سرمایه‌گذاران، مدیران سرمایه‌گذاری و تأمین‌کنندگان مالی با استفاده از نتایج این تحقیق جهت پیش‌بینی بهتر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری شرکت‌های موردنظر خود استفاده نمایند. بر مبنای فرضیه پنجم، نتایج پژوهش حاضر، حاوی اطلاعات مفید و مهمی برای مدیران اقتصادی، تحلیلگران مالی، پژوهشگران و دانشجویان است، به نحوی که در همه ارزیابی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و تحلیل‌های مالی، با در نظر گرفتن پدیده فاصله مالکیت اقلیت و مالکیت نهادی عمده می‌توانند تصمیم‌هایی منطبق بر واقعیات موجود اتخاذ کنند و از مطلوبیت نتایج نهایی تصمیم خود اطمینان بیشتری داشته باشند.

۷-۲. پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی

به محققان پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی خود به بررسی مباحث زیر بپردازند:

- ۱- تأثیر جدایی مالکیت از کنترل بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فعال بورس اوراق بهادار تهران.
- ۲- با توجه به اینکه در این مورد تحقیق‌های جامعی در کشور صورت نگرفته است، پیشنهاد می‌گردد که این تحقیق در بازه زمانی بیشتری (بلندمدت) بررسی و آزمون شود.
- ۳- تأثیر جدایی مالکیت از کنترل بر هزینه سرمایه.
- ۴- تأثیر جدایی مالکیت از کنترل بر نوسانات بازده غیرمتعارف سهام.
- ۵- تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری.
- ۶- بررسی تأثیر متغیرهای مالی و غیرمالی بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری با استفاده از روش‌های دیگری نظیر پروبیت، شبکه عصبی و تجزیه و تحلیل چند عامله.

۳-۷. محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر، عدم افشای کامل اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش می‌باشد. اطلاعات مربوط به کلیه متغیرهای پژوهش برای شرکت‌های بورسی به طور کامل در دسترس نیست. از این رو برای جلوگیری از جانب‌داری نتایج پژوهش، برخی سال‌های شرکت‌ها از نمونه آماری حذف شدند و این موضوع باعث کاهش حجم نمونه گردید.

۸. منابع و ماخذ

الف. فارسی

اسدی، غلامحسین؛ بیات، مرتضی، (۱۳۹۴)، تأثیر حسابداری محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر ارزش شرکت حسابداری مدیریت، شماره ۲۴، ۱-۱۲.

پاک مرام، عسگر؛ محرم پور علویانی، جواد، (۱۳۹۵)، تأثیر مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری غیرشرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی پارادایم‌های نوین مدیریت، نوآوری و کارآفرینی.

ترخونی، بهاره، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه ساختار سرمایه و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

رشیدیان، مینا؛ پاک مرام، عسگر؛ بیک زاده، جعفر، (۱۳۹۳)، رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری، شماره ۱۴.

سرلک، نرگس، کلوانی، داود، (۱۳۹۴)، رابطه بین انواع مالکیت نهادی و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱۵، ۱۴۹-۱۶۴.

شاهعلی زاده، بیبا، (۱۳۹۲)، بررسی کارایی نسبت دوپونت تعدیل شده آن برای پیش‌بینی سودآوری شرکت‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر شرکت، دومین همایش ملی مدیریت نوین، شیراز.

شاهعلی زاده، بیبا، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین اختلاف بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش با سرعت گردش سهام، بازدهی بازار و اندازه معاملات در بورس اوراق بهادار تهران. سومین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی مدیریت و حسابداری ایران. همدان.

شکی، زهره؛ معطوقی، علیرضا، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ترکیب مالکیت نهادی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری.

مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ مرادی، محمد؛ اسکندر، هدی، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت گزارشگری مالی، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، شماره ۱، ۲۲۷-۲۴۹.

مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد؛ اسکندر، هدی، (۱۳۹۴)، رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه، پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۱، ۴۷-۶۲.

نوروش، ایرج؛ ابراهیمی کردلر، علی، (۱۳۸۴)، بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، شماره ۴۲، ۹۷-۱۲۴.

نیکومرام، هاشم، رهنمای رودپشتی، فریدون، هیبتی، فرشاد، (۱۳۸۹)، مبانی مدیریت مالی، جلد اول، انتشارات ترمه.

ب. انگلیسی

Ahmed, A. S., Scott Duellman, (2010), Evidence on the Role of Accounting conservatism in Monitoring Managers' Investment, Accounting and Finance, No. 3, PP. 23-38.

Ball, R. L., Shivakumar, (2005), Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness, Journal of Accounting and Economics 39 (1): 83-128.

Ball, R., and L. Shivakumar. 2005. "Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness." Journal of Accounting and Economics 39 (1): 83-128.

- Bikse, V. Rivza, B. Riemere, I. (2015), The Social Entrepreneur as a Promoter of Social Advancement, 3rd World Conference on Psychology and Sociology, 469-478.
- Chi, Wuchun, Liu, Chiawen, Wang, Taychang, (2009), What Affects Accounting Conservatism: A Corporate Governance Perspective, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol.5(1), pp.47-59.
- Chung, R., Firth, M., J. Kim, (2002), Institutional Ownership and Opportunistic Earnings Management, *Journal Corporate Finance*, 8: 29-48.
- Claessens, S., S. Djankov, J. Fan, and L. Lang. 2002. "Disentangling the Incentive and Entrenchment Effects of Large Shareholdings." *The Journal of Finance* 57 (6): 2741-2771.
- Cornett, Marcia Millon, Marcus, Alan, Tehranian, Hassan and Saunders, Anthony, (2007), The impact of institutional ownership on corporate operating performance, *Journal of Banking & Finance*, 31 (2007) 1771-1794.
- Cueto Diego C, (2009), Market Liquidity and Ownership Structure with weak protection for minority shareholders: evidence from Brazil and Chile, Working paper. <http://ssrn.com/>
- García Lara, J. M., B. G. García Osma, F. Penalva, (2009), Accounting Conservatism and Corporate Governance, *Review of Accounting Studies* 14 (1): 161-201.
- Goh, B. W., Lim, C. Y., Lobo, G. J., & Tong, Y. H. (2017). Conditional conservatism and debt versus equity financing. *Contemporary Account*
- Goh, B. W., D. Li, (2011), Internal Controls and Conditional Conservatism, *The Accounting Review* 86 (3): 975-1005.
- Haw, I. M., B. Hu, L. S. Hwang, W. Wu, (2004), Ultimate Ownership, Income Management, and Legal and Extra-legal Institutions. *Journal of Accounting Research* 42 (2): 423-462.
- Hong, H. A., J.-B. Kim, and M. Welker. 2012. Divergence of Cash Flow and Voting Rights, Opacity, and Stock Price Crash Risk: International Evidence . Working Paper. Kingston, Canada: Queen's University.
- Hong, H. A., J.B. Kim, M. Welker, (2012), Divergence of Cash Flow and Voting Rights, Opacity, and Stock Price Crash Risk: International Evidence, Working Paper. Kingston, Canada: Queen's University.
- Hu, N., Hu, N., Huang, R., Huang, R., Li, X., Li, X., Liu, L, (2017), "The impact of CEOs' accounting backgrounds on earnings management and conservatism", *Journal of Centrum Cathedra*, 10(1), 4-24.
- Kim, M. I., Sonu, C. H., & Choi, J. H. (2015). Separation of corporate ownership and control and accounting conservatism: evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 22(2), 103-136.
- LaFond, R., R. Watts, (2008), The Information Role of Conservatism, *The Accounting Review* 83 (2): 447-478.
- LaFond, R., Roychowhury, S, (2010), Managerial ownership and accounting conservatism, *Journal of Accounting Research*, 46(1), pp. 101-135.
- Majeed, M. A., Zhang, X. Z., & Wang, Z. (2017). Product market competition, regulatory changes, ownership structure and accounting conservatism: Evidence from China. *Chinese Management Studies*, 11(4), 658-688.
- Rubin A, (2007), Ownership level, ownership concentration and liquidity. *Journal of Financial Markets*, 10(3): 219-248.
- Ryan, GR, (2006), Identifying Conditional Conservatism, *European Accounting Review*, Vol 15, PP 511-525.
- Shim, H., M. Lee, and J. H. Choi. 2010. "Ownership Divergence and the Frequency of Information Disclosure." *Korean Accounting Review* 35 (4): 39-74.

Tariq,H, Ismail1, Rasha,M. Elbolok, (2016), Do Conditional and Unconditional Conservatism Impact Earnings Quality and Stock Prices in Egypt? Research Journal of Finance and Accounting ISSN 2222-1697.
Watts, R. L. 2003. “Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications. ” Account-ing Horizons 17 (3): 207 –221.
